

بررسی سنگ‌نگاره‌های باستانی اسبقتۀ یزد

آنسیا آیتی‌زاده^۱

تاریخ دریافت: ۹۱/۶/۵

تاریخ تصویب: ۹۳/۳/۲۰

چکیده

ایران شاهره تمدن‌های باستانی و مهد فرهنگ‌های قبل تاریخ، هزاران راز نهفته در خود پنهان کرده است. در این میان، سنگ‌نگاره‌ها از نویافته‌ترین هنرهای ایران هستند که در نقاط مختلف ایران پراکنده‌اند و هر یک نشان و کلامی از دنیای باستان دارند. در این پژوهش، سنگ‌نگاره‌های اسبقته (هسبخته) را انتخاب و بررسی کردیم. این آثار که در روستای شواز استان یزد قرار دارند، از لحاظ قدمت و تنوع نقوش قابل بررسی هستند و نوع بینش و آداب زندگی انسان در آن دوران را نشان می‌دهند. این مقاله را با روش توصیفی-تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای، مشاهده و مصاحبه انجام دادیم. با بررسی انواع نقوش حکاکی‌شده در این منطقه، با نمادهای باروری و زایش (بز کوهی و قوچ)، نمادهای مهرپرستی (چلیپا و حلقه مهر)، نماد جهت‌نما و نقوش حیوانی، انسانی و گیاهی مواجه می‌شویم که قدمت زیاد سکونت در این منطقه و اعتقادات و آیین‌های اولیه ساکنان را نشان می‌دهند.

واژگان کلیدی: اسبقته، سنگ‌نگاره، نقوش، نمادها.

۱. مقدمه

سنگ‌نگاره‌ها از قدیمی‌ترین آثار هنری یافت‌شده در جهان هستند که اطلاعات بسیار ارزشمندی از نوع زندگی و آداب و رسوم پیشینیان را بیان می‌کنند. این آثار فرهنگ، اساطیر، جامعه‌شناسی، نوع زندگی و آداب و رسوم و ... آن زمان را معرفی می‌کنند و با بررسی آن‌ها می‌توانیم دوران تاریک تاریخ را تاحدی روشن کنیم و زنجیرهای اتصال را دانه‌به‌دانه بهم برسانیم.

در ایران، محققان مختلف تحقیقات زیادی در مورد این هنر خاص انجام داده‌اند و نتایج را در کتاب‌ها و مجلات و وبسایت‌های مختلفی منتشر کرده‌اند^۱. بزرگ‌ترین منطقه مرتبط با این موضوع «تیمره»، واقع در محدوده بین گلپایگان و خمین است. اولین نقوش یافت‌شده در ایران متعلق به

نگاره‌های کوه‌دشت لرستان است «که حدود شش تا هشت هزار سال قدمت دارد» (ایزدپناه، ۱۳۶۳: ۳۵۸). «قدیمی‌ترین آثاری که تا به حال یافت شده است، نقوش غار «یافته» در لرستان می‌باشد که چهل‌هزار سال قدمت دارند» (افشاری، ۱۳۹۰: ۱۶۴). این نقوش در تمام نقاط ایران پراکنده‌اند و هنوز منتظرند تا دیده شوند و پیام پیشینیان را به امروز و آیندگان برسانند.

سنگ‌نگاره‌ها در مناطق مختلف استان یزد نیز یافت شده‌اند و برخی از آن‌ها در کتب و مجلات معرفی شده‌اند. «شش مکان معرفی شده از طرف سازمان میراث فرهنگی شامل ارزان، اسبخته، رمه‌کوه، دره‌گنج، دره‌گازه و سرخ‌کوه ندوشن می‌باشد^۲ و تاکنون تمام این نقوش به‌غیر از نقش سرخ‌کوه ندوشن به ثبت در فهرست آثار ملی کشور رسیده‌اند» (حصارنوی، ۱۳۸۸: ۱۰۷). در اردکان، طبس و بهاباد نیز آثاری از این دست یافت شده‌اند و در فهرست آثار ملی کشور قرار گرفته‌اند.

با دیدن این نگاره‌ها سؤالات زیر در ذهن بیننده ایجاد می‌شود:

- این نقوش برای چه کاری تصویر شده‌اند؟
 - آیا این نقوش واقعاً هزاران سال قدمت دارند یا متأخرند؟
 - نگارگران این نقوش چه کسانی بوده‌اند؟
 - آیا این نقوش مفهوم خاصی دارند؟
- موضوع اصلی این مقاله که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده، سنگ‌نگاره‌های اسبخته (هسبخته) است. داده‌ها را به‌صورت کتابخانه‌ای، اینترنتی، مصاحبه و مشاهده جمع‌آوری کردیم و این سنگ‌نگاره‌ها را که یکی از منحصربه‌فردترین نقوش یافت‌شده در این زمینه به‌شمار می‌روند، بررسی نمودیم.

۲. موقعیت جغرافیایی و تاریخی اسبخته

در جنوب غربی استان یزد و در منطقه پشتکوه اطراف روستای نصرآباد، روستای شواز قرار گرفته است. این روستا از لحاظ برج و بارو یکی از مناطق دیدنی و باستانی ایران است. قلعه شواز روی قلعه سنگی نسبتاً

مرتفعی بنا شده که به عصر تیموریان مربوط است. امیر تیمور تمام اموالی را که از نقاط مختلف ایران به‌دست می‌آورد، در این قلعه نگهداری و از آنجا به سمرقند، پایتخت خود، منتقل می‌کرد. در نزدیکی این قلعه، یک مزرعه به‌نام «شواز کهنه» قرار دارد که دارای ساختمان‌ها و مساکن انسان‌های آن عصر است که در دل کوه حفر شده‌اند. این منازل که منظره بسیار زیبایی ایجاد کرده‌اند، بر کشتزارهای شواز کهنه مشرف هستند. «در این منطقه، قبرستان‌های قدیمی دیده می‌شود که این قبرستان‌ها خواه در شواز، خواه در شواز کهنه، بر کهنگی آبادی دلالت دارد» (افشار، ۱۳۵۰: ۲۸۳). در اینجا، سنگ قبرهایی با قدمت متفاوت وجود دارند که تعدادی از آن‌ها بدون نقر هستند و رنگ سنگ‌ها از شدت هوازدگی تیره شده است. «تعدادی از سنگ قبرها جدیدتر هستند که دارای مورخ از قرن ششم تا هشتم هجری قمری هستند» (همان: ۲۸۴). «در میان این سنگ‌ها، سنگ قبری با تاریخ ۳۰۰ هجری قمری نیز وجود دارد» (دهقانیان نصرآبادی، ۱۳۸۷: ۶۶۱). همچنین، روستاهایی در این مناطق وجود دارند که بانیان آن‌ها دختران خسرو پرویز (توران‌دخت و ایران‌دخت) بوده‌اند و نشانه‌ای از سکونت در دوران ساسانی هم وجود دارد.^۳ همه این شواهد نشان‌دهنده سکونت در دوره‌های اسلامی و قبل از آن (ساسانی) هستند؛ ولی سنگ‌نگاره‌های ده‌هزارساله رمه‌کوه در چند کیلومتری منطقه، سکونت انسان در دوره‌های ماقبل تاریخ را نشان می‌دهند.

«در نزدیکی شواز کهنه، یک مزرعه وجود دارد که از قدیم‌الایام فقط یک خانوار در آن زندگی می‌کرده‌اند.^۴ این مزرعه به «اسبخته» یا «هسبخته» معروف است. هسبخته از «هس»، به معنی محل نگهداری گوسفند و «بخته» به معنی عقیم کردن حیوانات تشکیل شده است و یعنی جایی که گوسفندان نر را عقیم می‌کرده‌اند. در این مزرعه، به‌طور اتفاقی آثار بسیار پرارزش عصر مهرپرستی به‌دست آمد. مهم‌ترین اثر به‌دست‌آمده حجاری صلیب شکسته روی یک تخته‌سنگ است و چند اثر مهم و ارزنده دیگر هم وجود دارند که نشان می‌دهند

این صحنه، تصاویری شامل بز کوهی، قوچ، انسان، موجود اساطیری (ترکیب انسان و حیوان)، علامت جهت‌نما، خورشید، نقوش نمادین (چلیپا، حلقه مهر و ...)، درخت و نوشته‌های پهلوی و ... دیده می‌شود. در صخره دوم، مردی سوار بر اسب با بز یا شاخ هلالی و سگ و در بالای تصویر، انسانی خوابیده با نقشی نامعلوم دیده می‌شود (تصویر ۲). در صخره سوم، نقوشی از بز کوهی ریشدار و انسان استلیزه با کمان یا کمند و تعدادی نقش بز کوهی و موجودی شبیه به انسان بالدار دیده می‌شود (تصویر ۳). صخره چهارم شامل نقوش قدیمی‌تری، مانند بز کوهی شاخدار، دایره و ضربدر است و نقوش جدیدتر شامل بز کوهی، یک شکل نمادین و چند تصویر نامفهوم است (تصویر ۴). صخره پنجم دو سطح منقوش دارد و شامل انواع بز کوهی، انسان درحال شکار و گردونه مهر و سه‌زانبی چرخان و تعدادی نقوش نمادین است (تصویر ۵). در صخره‌های ششم و هفتم، دو بز کوهی دیده می‌شوند که توسط یک گربه‌سان تعقیب می‌شوند (تصویر ۶). در صخره هشتم، «نقوشی قدیمی در کنار کتیبه‌هایی به خط کوفی ساده، نسخ

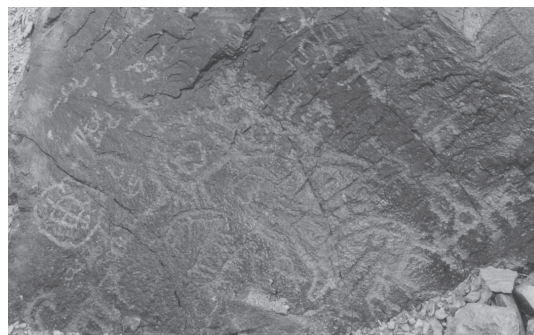
مهرپرستی در آن منطقه بسیار رواج داشته است. مطلب بسیار مهم در مورد دفینه بسیار پرارزشی در منطقه هسبخته است که در زمان جنگ بین‌المللی دوم توسط دو نفر خارجی کشف و غارت شد. سارقان این دفینه را که شامل دو عدد دیگ مسی بزرگ بود، با زنجیر به هم وصل و توسط یک قاطر به روستای نصرآباد منتقل کردند، سپس با ماشین به یزد بردند و کرایه قابل توجهی به صاحب قاطر پرداختند» (آیتی‌زاده، ۱۳۸۰: ۸۹).

۳. معرفی نقوش

موقعیت مکانی سنگ‌نگاره‌های این منطقه ۳۱ درجه و ۴۳ دقیقه و ۲۹۰ ثانیه عرض شمالی و ۵۳ درجه و ۴۰ دقیقه و ۷۵۹ ثانیه طول غربی و بلندی آن‌ها ۲۴۴۴ متر از سطح دریا است. این سنگ‌نگاره‌ها روی هفده صخره حکاکی شده‌اند و ده صخره «در تاریخ ۱۳۸۲/۵/۷ به شماره ۹۲۶۷ در ردیف آثار ملی ثبت شده است» (دهقانیان نصرآبادی، ۱۳۸۶: ۱۴۸). در صخره اول، نقوش کهن هستند و نقوش جدیدتری روی نقوش قدیمی کنده شده‌اند که آن‌ها هم قطعاً قدمت زیادی دارند (تصویر ۱). در



تصویر ۳: صخره شماره ۳، انسان و بز ریشدار (نگارنده)



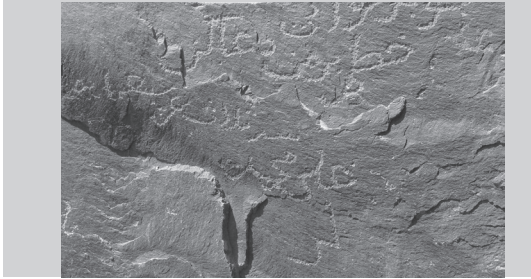
تصویر ۱: صخره شماره ۱، منطقه اسبخته (عکس از علی اصغر آیتی زاده)



تصویر ۲: صخره شماره ۲، انسان سوار بر اسب با ایزاری عجیب (نگارنده)



تصویر ۷: صخره شماره ۸، منطقه اسبخته نقوش کهن در کنار نقوش تقلیدی جدید تر (عکس از علی اصغر آیتی زاده)



تصویر ۸- صخره شماره ۸، کتیبه فارسی اسبخته (نگارنده)



تصویر ۴: صخره شماره ۴، بز کوهی و نمادهای چرخ و... (نگارنده)

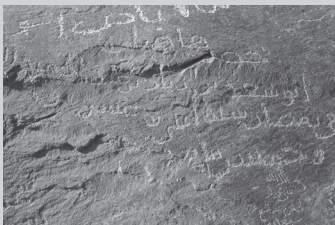


تصویر ۵: صخره شماره ۵، یکی از پر نقش ترین صخره های نگاره دار این منطقه (نگارنده)

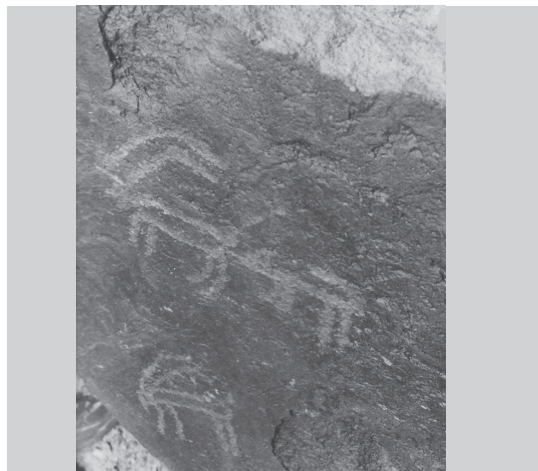
سبع مائه. علی محمد لر» (همان، ۱۳۸۷: ۵۸۷). در صخره نهم، دو بز کوهی و سگ دیده می شود. در صخره دهم (تصویر ۱۰)، شکلی نمادین دیده می شود که شامل «یک دایره است که دو طرف آن فرمی T مانند وجود دارد و درون دایره هفت نقطه حجاری شده است» (همان، ۱۳۸۶: ۱۵۱). یک تخته سنگ بزرگ با فاصله ای دورتر نیز دارای نگاره است و در زیر آن حفره ای است که به اندازه یک انسان نشسته فضای خالی دارد و احتمالاً کمین گاه مناسبی برای شکار بوده است. در قسمت ورودی داخلی آن،

و خط بنایی» (دهقانیان نصرآبادی، ۱۳۸۶: ۱۵۱) دیده می شود (تصویر ۷، ۸ و ۹). در تصاویر کهن تر، بز کوهی و نمادهایی ناخوانا دیده می شود و چند نقش جدید به تقلید از نقوش قدیمی نیز روی این صخره حکاکی شده است.

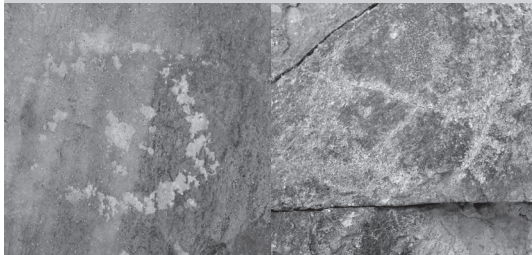
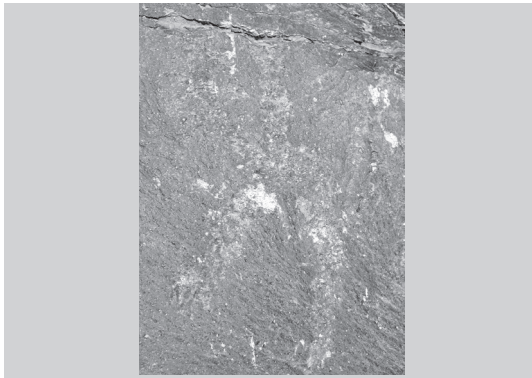
«محتوای کتیبه عربی: الملک الله. علی محمد لر. فی محرم سنه تسع عشر و سبع مائه. ابوسعید بن زیاد بن عبدالحمید ابو [...] علی [...] در بالای تخته سنگ کتیبه ای فارسی می بینیم با این محتوا: چو برخوانی خط من بر من دعا کن. سنه ثلاث و



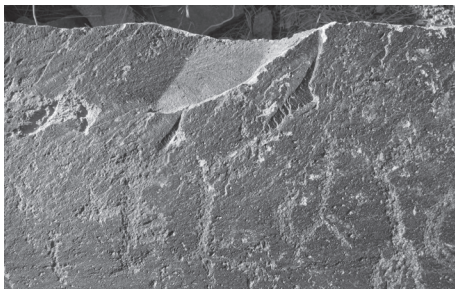
تصویر ۹: صخره شماره ۸، کتیبه های عربی اسبخته (نگارنده)



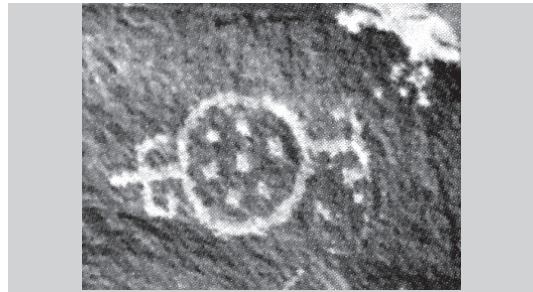
تصویر ۶: صخره شماره ۶، گربه سانی در تعقیب بز کوهی (عکس از علی اصغر آیتی زاده)



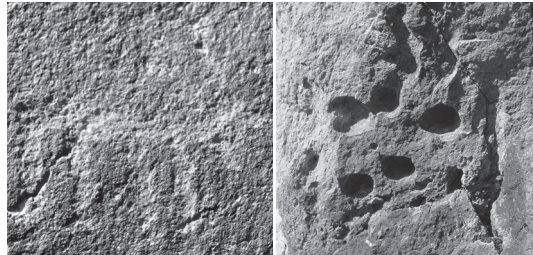
تصویر ۱۲: سه تخته‌سنگ با نقش تک و نمادین (نگارنده)



تصویر ۱۳: صخره‌ای پر از نقش و درحال نابودی (نگارنده)



تصویر ۱۰- نقش نمادین صخره شماره ۱۰ (منبع: دهقانیان نصرآبادی، ۱۳۸۶، ۵۷۳) (نگارنده)



تصویر ۱۱: بز کوهی و فنجان‌نما در صخره غارمانند شماره ۱۱ (نگارنده)

نقش بز کوهی دیده می‌شود و در ورودی بیرونی پنج فنجان‌نما حکاکی شده است. در بالاترین نقطه سنگ نیز چند بز کوهی دیده می‌شود (تصویر ۱۱). سایر سنگ‌نگاره‌ها بسیار کمرنگ و در حال فرسایش شدید هستند. یکی از آن‌ها پر از نقش و شبیه به انسان‌های استلیزه شده است و بقیه به صورت تک‌نقش، دونقش یا سه‌نقش شامل بز کوهی، حلقه مهر و علائمی ناشناخته که احتمالاً از خطوط اولیه بودند، دیده می‌شوند (تصویر ۱۲-۱۴).

۴. تکنیک نقوش

نقوش منطقه اسبقته به وسیله حکاکی ایجاد شده‌اند و تمامی آن‌ها مانند نقوش دیگر مناطق ایران به صورت استلیزه و ساده شده هستند. بزها بیش از نقش‌های دیگر در این سنگ‌نگاره‌ها دیده می‌شوند. نقوش این منطقه بیشتر با سطوح توپر و در بعضی موارد، با خطوط محیطی رسم شده‌اند. در این نقوش، نقطه‌ها هم در بعضی از نمادها دیده می‌شوند.

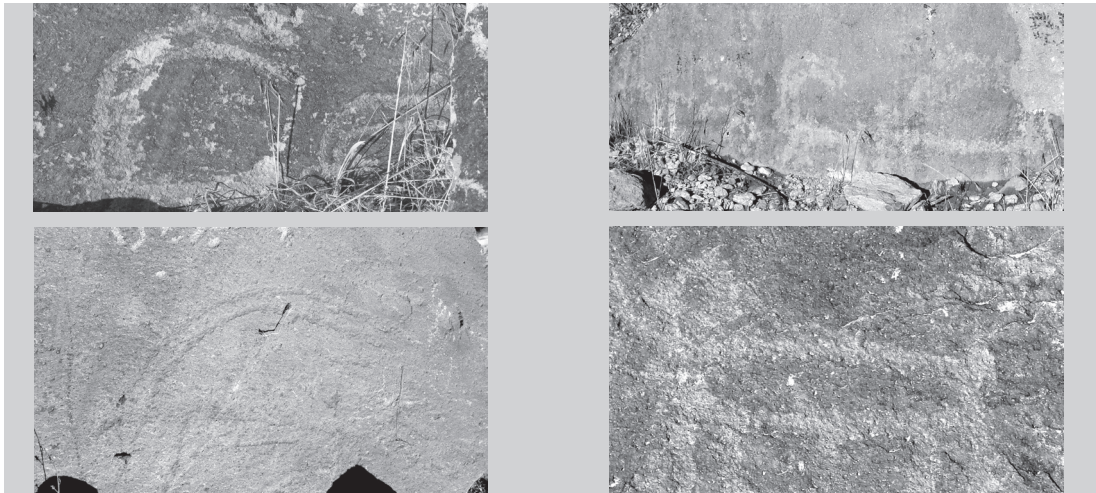
۵. هدف ایجاد نقوش

تصویرگر پیشاتاریخی طبیعت‌نگار نبود و به تقلید از ظواهر عینی اشیاء و موجودات گرایشی نداشت.

«او برای رسانیدن مفهومی خاص به نمایش چند ویژگی بسنده می‌کرد؛ مثلاً قدرت جسمانی شیر را صرفاً با تأکید بر ویژگی‌هایی چون بدن کشیده، پنجه‌های نیرومند و دهان گشوده نمایش می‌داد. بدین سان، پدیده‌های واقعی برحسب ذهنیت تصویرگر به نشانه‌های رمزی تبدیل می‌شدند» (پاکباز، ۱۳۷۹: ۱۵).

از نظر برخی محققان، این نقوش نوعی رمزنگاری و از اولین نگارش‌های تصویری دنیا هستند.

در این سنگ‌نگاره‌ها، با مورد جالب دیگری نیز روبه‌رو می‌شویم؛ نقوش جدیدی روی نقوش قدیمی و بعد از مدتی طرح‌های بعدی کشیده شده‌اند که این موضوع را برای ما ثابت می‌کند که این تصاویر مفهومی خاص داشته‌اند و برای زمان معینی شکل



تصویر ۱۴: چهار تخته‌سنگ با نقش بز کوهی و قوچ در حال نابودی (نگارنده)

دیگر ایران، نمی‌توانیم به‌طور قطعی بگوییم که به چه دورانی متعلق هستند. حیوان اهلی در این نگاره‌ها بز کوهی است که «زمان اهلی شدن آن حدود ۹۵۰۰ سال پیش از میلاد است» (فرهادی، ۱۳۷۷: ۲۲۱) و ابزارهای مشاهده‌شده در این نقوش تیر و کمان و کمند هستند که هردو از ساده‌ترین ابزارهای ساخت بشر به‌شمار می‌روند. «زمان ساخت تیر و کمان به دوران پارینه‌سنگی بازمی‌گردد» (همان، ۱۵۴). با احتساب این احتمالات، زمان تقریبی این نقش‌ها از ۹۵۰۰ تا ۸۰۰۰ پیش از میلاد برای نقوش تیره‌تر و کهن‌تر است و نقوش جدیدتر حدوداً به هزاره‌های اول پیش از میلاد تعلق دارند. دو کتیبه دارای تاریخ هستند و زمان ایجاد آن‌ها سال‌های ۷۱۹ و ۷۳۰ ه.ق است که قطعاً بعدها ایجاد شده‌اند. با مطالعه و تحقیق درمورد نقوش نمادگونه این منطقه و مطالعه دین مهرپرستی و گمانه‌زنی و محاسبات باستان‌شناسی می‌توانیم تاریخ دقیق‌تر این نقوش را تشخیص دهیم. درمورد قدمت آیین مهرپرستی در ایران نمی‌توانیم به‌طور دقیق نظر دهیم؛ اما «به احتمال زیاد حدود ۶۰۰۰ سال پیش در برخی اقوام رایج بوده و می‌توان از روی قبرهای آن‌ها تشخیص داد که پیرو این آیین بوده‌اند» (افشاری، ۱۳۹۰: ۱۰۲). «به‌طور قطعی دین مهر (مهرپرستی)، نزدیک به چهارده سده قبل از زایش عیسا، پیروانی در ایران و هند داشته است» (کومن، ۱۳۸۶: ۱۸). با درنظر گرفتن این تفاوت در تاریخ‌های یادشده و وجود نشانه‌های مهری، چه

گرفته‌اند و نوعی طلسم و چشم‌زخم برای عملیات یا مراسمی ویژه بودند که پس از اتمام زمان مورد نظر، طرح بعدی نقر می‌شد. این نوع نگرش در غارهای اروپا نیز دیده شده است و جادویی و آئینی بودن نقوش را نشان می‌دهد. براساس عقیده فکری آن‌ها، این تصاویر نوعی جادو بودند که با آن‌ها روح حیوان نقش‌شده را طلسم می‌کردند. این تصاویر نوعی تقدس نیز دارند. درکنار برخی از نقوش یافت‌شده در مناطق دیگر «فنجان‌نماهایی است که برای مراسمی آئینی استفاده می‌شده است» (ناصری‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۵۵). «هنوز هم مردم بعضی مناطق این نقوش را مقدس دانسته و درکنار این نقوش دخیل بسته یا شمع روشن می‌کنند^۵ و یا دعا و نیایش می‌کنند و همه این‌ها نمودی از تقدس آن‌ها در ازمنه گذشته دارد» (همان، ۳۷).

۶. زمان نگاره‌ها

بعضی از طرح‌ها کهن‌تر و برخی جدیدتر هستند. بعضی از نقوش آنقدر قدیمی هستند که با بستر سنگ هم‌رنگ شده‌اند و مانع ایجاد نتیجه مطلوب در عکاسی می‌شوند و در بعضی از نگاره‌ها نقوش تیره‌تر که قدیمی‌تر هستند درکنار نقوش روشن‌تر که جدیدتر هستند، قرار دارند. تفاوت رنگ نقوش نشان‌دهنده فاصله زمانی آن‌ها است؛ زیرا به‌دلیل اکسید شدن و هوازدگی تغییر رنگ داده‌اند. از لحاظ نوع اجرا و رنگ آن‌ها، مانند سایر نقوش در مناطق

در دوران رواج دین زرتشت و چه بعد از اسلام، نظر قطعی در مورد تاریخ این نقوش سخت است و زمان‌های یادشده احتمالی هستند.

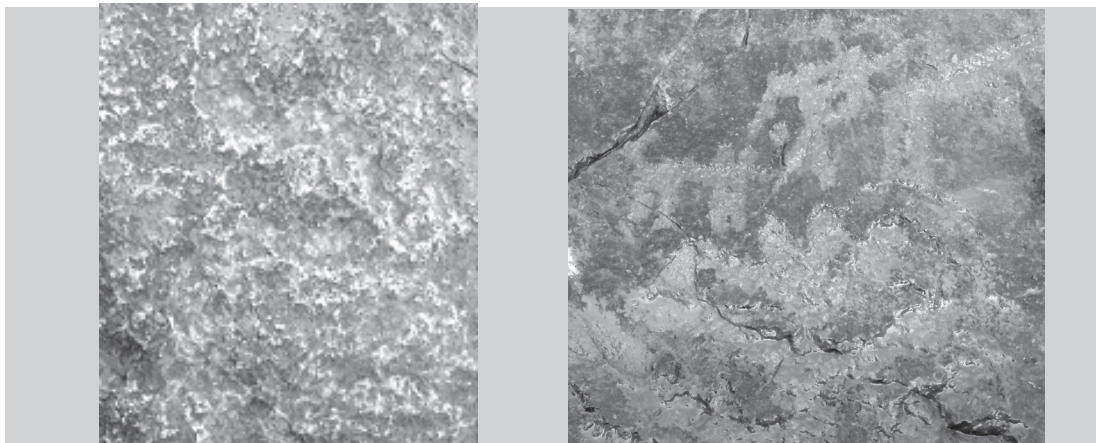
۷. هویت نگارگران

با دیدن سنگ‌نگاره‌ها این پرسش در ذهن بیننده ایجاد می‌شود که نگارگران آن‌ها که بوده‌اند. با بررسی بیشتر این آثار درمی‌یابیم که به‌طور عجیبی در تمام دنیا با اشکال مشابهی مواجه هستیم که به‌نوعی، دیدگاهی مشترک داشته‌اند. نگارگران

همچنین، احتمال دارد که این نگاره‌ها به‌وسیلهٔ ساحران قبیله کشیده شده باشند. تصاویر جدیدتر (بعد از دورهٔ شکار) نیز توسط چوپانانی حکاکی شده‌اند که در محل‌های خاص این تصاویر را مشاهده و تقلید می‌کردند.

۸. بررسی نگاره‌ها

نگاره‌های این منطقه نسبت به تعدادشان بسیار متنوع هستند و انواع تصاویر در آن‌ها به‌کار رفته است. در ادامه، به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.



تصویر ۱۵: نقش درخت و مارپیچ در پایین و کنار صخره شماره ۱ (نگارنده)

۸-۱. نگاره‌های انسانی

در این محل، نقوش انسانی یافت‌شده نسبتاً کم است. انسان‌ها برخی پهلونما و برخی از روبه‌رو و همگی با خطوط توپر نقش شده‌اند. در دو مورد انسان کمان‌به‌دست و پیاده می‌بینیم که ریز ترسیم شده‌اند، به‌سختی دیده می‌شوند و ساده و استلیزه نقش شده‌اند (تصویر ۱۶).










در نمونهٔ دیگر، انسانی اسطوره‌مانند حک شده است که بدنی شبیه حیوان دارد. در سایر نقاط ایران نیز این‌گونه نمونه‌ها دیده می‌شود (تصویر ۱۷).

در تصویر اول نیم‌تنهٔ یک انسان دیده می‌شود که احتمالاً نوعی بینش خاص در مورد انسان بوده است (تصویر ۱۸).

در همان‌جا، نیم‌تنهٔ انسان روی شاخ بز نیز نقش شده است و در میان شاخ بز، حلقهٔ مهر حک شده است. این نوع نقش‌آفرینی نشان‌دهندهٔ آرزوی

این نقوش نوعی نگارش یا کاربرد را برای این آثار در نظر گرفته‌اند که نشان می‌دهد شغل اصلی آن‌ها نگارگری نبوده است؛ زیرا اگر این آثار را نگارگر قبیله به‌وجود می‌آورد، سعی می‌کرد که هر تصویر بهتر از تصویر قبلی شود و مهارت بیشتری به‌کار می‌برد؛ درحالی که با مقایسهٔ آثار کهن و جدید می‌بینیم با گذر صدها یا هزاران سال، تغییر بسیار اندکی در نوع به‌تصویر درآوردن آثار وجود دارد و تصاویر جدیدتر به همان سادگی تصاویر کهن‌تر هستند.

«کوچک بودن نگاره‌ها، کنده شدن آن‌ها بر روی هم و استفاده از محل‌های آماده‌شدهٔ طبیعی به‌خصوص حک این نگاره‌ها در جایگاه‌های بااهمیت برای شکار، همگی نشان می‌دهد که قصد ایجاد زیبایی و بروز مهارت در نگارگری وجود نداشته و تنها در هنگام ضرورت و مواقع خاصی به‌وسیلهٔ شکارگران انجام می‌شده است» (فرهادی، ۱۳۷۷: ۲۰۳).

		
تصویر ۱۸: نیم تنه انسان (نگارنده، مستخرج از تصویر ۱)	تصویر ۱۷: نقوش انسان اسطوره‌مانند (نگارنده، مستخرج از تصویر ۱)	تصویر ۱۶: نقوش انسان کمان به دست (نگارنده، مستخرج از تصویر ۱)
		
تصویر ۲۱: نقش انسانی سوار بر اسب (نگارنده، مستخرج از تصویر ۲)	تصویر ۲۰: انسانی با ابزار یا سلاحی ناشناخته (نگارنده، مستخرج از تخته سنگ ۱)	تصویر ۱۹: نقش انسانی بر روی شاخ بز و حلقه مهر (نگارنده، مستخرج از تصویر ۱)
		
تصویر ۲۴: انسان در حال اسیر نمودن بز کوهی و انسان بالدار (نگارنده، مستخرج از تصویر ۵)	تصویر ۲۳: انسان تغییر فرم یافته (نگارنده، مستخرج از تصویر ۵)	تصویر ۲۲: نقش انسانی خوابیده (نگارنده، مستخرج از تصویر ۲)

فراوانی در ذهن انسان آن دوره است (تصویر ۱۹). انسان هستند. نگارگران انسان را دارای نوعی قدرت بی‌انتها می‌دانستند.

۲-۸. نگاره‌های حیوانی

از بین حیوانات این منطقه مثل بقیه مناطق، بیشتر تصویر بزها (نماد زاینده‌گی و فراوانی) در این تخته‌سنگ‌ها نقش شده است (تصویر ۲۵). در بیشتر مناطق ایران، هر جا که سرچشمه آب بود، نقش بز کوهی روی تخته‌سنگ‌ها دیده می‌شود؛ یعنی «وجود آب مساوی زاینده‌گی و فراوانی» (ناصری فرد، ۱۳۸۸: ۱۳۲). «هر جا که بز کوهی دیده می‌شود، نشان از آب و گیاه می‌دهد» (دادور، ۱۳۸۸: ۶۷). «عموماً پس از فرمانروایی خورشید (مهرپرستی)، بز کوهی حیوان خورشید نام گرفت و علامتی شبیه ستاره پنج‌پر که اصطلاحاً لوتوس گویند، معمولاً در بین شاخ این حیوان رسم شده است» (عبدالهیان، ۱۳۷۸: ۵۵). با حلقه مهر و چلیپا و گاهی با مربع و دایره و یا نقطه در میان شاخ بز نیز مواجه می‌شویم. در این منطقه، چلیپا و حلقه مهر در میان شاخ بز دیده می‌شود. «بزها در روزگار باستان به‌عنوان تجسم باروری انسان‌ها و گله‌های حیوانات پرستیده می‌شدند و با خدای حاصلخیزی سومری به‌نام تموز (tammuz) یکسان شمرده می‌شدند. بز کوهی در

در کناره پایین سمت راست این تخته سنگ، انسانی با ابزار یا سلاحی شاخه‌مانند را می‌بینیم (تصویر ۲۰).

در تخته‌سنگ شماره ۲، انسانی اسب‌سوار با افسار یا اسلحه‌ای سه‌شاخه را می‌بینیم. انسان برهنه است و آلت مردانه آن نمایان است (تصویر ۲۱). «در فرهنگ‌های کهن، این نماد به‌وفور دیده می‌شود و نشان از قدرت و باروری مردانه است» (هال، ۱۳۸۰: ۲۳۱).

در بالای صخره شماره ۲، انسانی را به‌صورت افقی می‌بینیم که احتمالاً خوابیده است (تصویر ۲۲). در تخته‌سنگ شماره ۵، موجودی شبیه به انسان دیده می‌شود که دستانی باز و پاهایی تغییر شکل یافته دارد که او را شبیه حیوانات ترکیبی اسطوره‌ای کرده است (تصویر ۲۳).

در تخته‌سنگ سوم، یک انسان دیده می‌شود که ریش بزی را در یک دستش گرفته و در دست دیگرش کماندی را حلقه کرده و احتمالاً می‌خواهد بز را اسیر کند. در این تخته‌سنگ، موجود دیگری را نیز می‌بینیم که به انسان بالدار شبیه است (تصویر ۲۴). این موارد، به‌جز دو مورد اول، نقش مفهومی دارند و نشان‌دهنده نوعی آداب و تفکر خاص درباره

تمدن‌های اولیه مصر و هند نیز پرستیده می‌شد و با حاصلخیزی در ارتباط بود» (هال، ۱۳۸۰: ۳۵).

در پایین سنگ‌نگاره اول، یک قوچ دیده می‌شود. در کنار این قوچ، نمادی ناشناخته نیز وجود دارد (تصویر ۲۶). کنار تخته‌سنگ شماره ۶، تخته‌سنگ دیگری با نقش منفرد قوچ دیده می‌شود (تصویر ۲۷). «قوچ به خدایان وابسته به زایش و باروری در خاورمیانه، مصر و یونان باستان منتسب و مورد پرستش بود» (هال، ۱۳۸۰: ۷۹).








در یکی از صحنه‌ها، یک گربه‌سان دیده می‌شود که در حال تعقیب بز کوهی است. این نقش که در مکان‌های دیگر ایران هم دیده شده است، نگرانی انسان از حیوان مورد توجهش را نشان می‌دهد (تصویر ۲۸).

در پایین تصویر تخته‌سنگ اول، سگی دیده می‌شود که ریز و استلیزه مصور شده است (تصویر

است (تصویر ۳۱). «همیشه در مراسم ذبح گاو توسط میترا، نقش عقرب به چشم می‌خورد و نشانه نیرو و رفع چشم‌زخم بوده است» (دادور، ۱۳۸۸: ۶۳). نوع نگاه به حیوانات و برخورد با آن‌ها نیز مانند انسان‌ها ساده و استلیزه است. نوع حکاکی به صورت توپر و در بعضی نقوش دوخطی است و تمامی حیوانات از پهلو نقش شده‌اند.

۳-۸. نگاره‌های گیاهی

همان‌طور که در تصویر ۳۱ و ۳۲ می‌بینیم، نقش‌های گیاهی این منطقه به درخت سرو شبیه هستند و روشن است که این درخت از دیرباز قداست داشته است. «درخت در بسیاری از اقوام باستانی به‌عنوان جایگاه خدا پرستیده می‌شد. همچنین، نماد کیهان و منبع باروری و نماد دانش و حیات جاودانی بوده است» (همان: ۲۸۵). «در اساطیر اولیه، درخت

		
تصویر ۲۵: بز کوهی (نگارنده، مستخرج از تصاویر ۱ و ۲ و ۳)		
		
تصویر ۲۸: نقوش گربه سانان (نگارنده، مستخرج از تصاویر ۲ و ۳)	تصویر ۲۷: نقش قوچ منفرد در کنار تخته سنگ شش (نگارنده، مستخرج از تصویر ۱۴)	تصویر ۲۶: نقش قوچ (نگارنده، مستخرج از تصویر ۱)
		
تصویر ۳۱: نقش عقرب (نگارنده، مستخرج از تصویر ۱)	تصویر ۳۰: نقش حیوان ترکیبی (نگارنده، مستخرج از تصویر ۱)	تصویر ۲۹: نقش سگ (نگارنده، مستخرج از تصویر ۱)

نماد کیهان و رمز آفرینش بوده است» (بوکور، ۱۳۷۳: ۹).

«حتی در ادیان هندوآریایی (هند و ایران باستان) خدایی به‌نام هئومه در ایران و سُما در هند باستان وجود دارد. این خدا در مراسمی به‌عنوان گیاه- یاد می‌شده و به‌نام خدا یا پادشاه جویبارها و بخشنده باروری خوانده می‌شده است» (هینلز، ۱۳۸۸: ۳۴).

گیاه هئومه در مراسم آیینی آن‌ها نیز استفاده می‌شد و در فنجان‌نماها کوبیده و عصاره آن به‌عنوان

(۲۹).

در یک مورد، با حیوانی افسانه‌ای مواجه می‌شویم که نیم‌تنه انسان دارد. تلفیق موجودات مختلف، از قبیل انسان و حیوان در این نوع نقوش، در محل‌های مختلف ایرن مرسوم است و احتمالاً نوعی اسطوره‌نگاری باستانی است (تصویر ۳۰).

در جایی با حیوانی شبیه به عقرب مواجه می‌شویم که نقشی در آداب و سنن آن دوران داشته



تصویر ۳۲: تیر و کمان
(آنالیز شده توسط نگارنده، استخراج از تصویر ۱)



تصویر ۳۳: دو نمونه از کمند های حکاکی شده
(آنالیز شده توسط نگارنده، استخراج از تصویر ۲ و ۳)



تصویر ۳۲: تیر و کمان
(آنالیز شده توسط نگارنده، استخراج از تصویر ۱)



تصویر ۳۰: تصویر دو درخت از تخته سنگ شماره ۱
(آنالیز شده توسط نگارنده، استخراج از تصویر ۱ و ۱۵)



تصویر ۳۱: درخت و بز کوهی از تخته سنگ سوم
(آنالیز شده توسط نگارنده، استخراج از تصویر ۳)

۵-۸. نگاره‌های نمادین

نگاره‌های نمادین در این منطقه بیشتر از مناطق دیگر استان یزد دیده شده است و هریک نشان‌دهنده نوع نگاه و تفکر انسان گذشته است.

در گوشه چپ تخته‌سنگ شماره ۱، نقشی از خورشید دیده می‌شود (تصویر ۳۵). «روزگاری در جهان، خورشید به‌عنوان خدای بلندمرتبه و خدای روشنی و منبع حاصلخیزی و حیات، مورد پرستش بود» (هال، ۱۳۸۰: ۲۰۵). «در عهد وادها اغلب خدایان و قدرتمندترینشان به‌نحوی از انحاء با قوای شاخص طبیعت، همچون خورشید، ماه، رعد، آتش و ... مربوط می‌شده‌اند» (ذکرگو، ۱۳۷۷: ۲۴). «در مهرپرستی، خورشید پایه بس والایی دارد؛ چندانکه برخی گمان کرده‌اند که ایرانیان خورشیدپرستند؛ ولی به‌باور ایرانیان شید (نور) است که بزرگ‌ترین خدای و آفریننده همه چیز است و خورشید تنها بازتابی از آن است» (کومن، ۱۳۸۶: ۱۶). «میترا نیز از کهن‌ترین خدایان آریایی است و او را خدای خورشید دانسته‌اند که نماد عهد و پیمان میان دو ملت، همچنین نماد پیمان و محبت نیز بوده است» (ذکرگو، ۱۳۷۷: ۳۶).

«آثاری از پرستش خورشید در تعدادی از نمادها، مانند صلیب با پهلوه‌های مساوی، اسواستیکا یا صلیب

نوشیدنی مقدس مصرف می‌شد. در منابع ادبی باستانی و آثار قدما نیز موضوعاتی مثل درخت زندگی و درخت مقدس را می‌بینیم که همگی تقدس درخت را در زمان‌های مختلف ثابت می‌کنند.

این نقوش با دقت بسیار ترسیم شده‌اند و خطوط ترسیمی آن، تنوع زیادی دارد.

ناگفته نماند که نقش گیاه در کل ایران بسیار کم دیده شده است و یکی از علل تفاوت نقوش این منطقه با مناطق دیگر این نقش است.







۴-۸. ابزارها

در این نقوش، تیر و کمان بیشتر از ابزار دیگر دیده می‌شود (تصویر ۳۲). «این ابزار احتمالاً نخستین دستگاه مکانیکی باشد که فکر انسان به‌وجود آورده است. کلیه گروه‌های دیرینه‌سنگی از این ابزار استفاده می‌کرده‌اند» (فرهادی، ۱۳۷۷: ۱۵۴). ابزار دیگر نوعی کمند است که در دوران قبل از تاریخ مرسوم بوده است (تصویر ۳۳). در نقوش صخره‌ای تیمره نیز این نوع کمند دیده می‌شود (همان، ۱۵۵). در تصویر ۳۴، نقشی نامشخص از انسانی می‌بینیم که احتمالاً ابزاری در دست دارد.

از هزاره‌های پیشین و در معماری سده‌های قبل همواره دیده می‌شود. از جمله بر دهانه پاره‌ای از خمره‌های سفالینی که اجساد مرده‌ها را در آن دفن می‌کرده‌اند دیده شده است. حتی بسیاری از بناهای ایرانی ساخته شده در دوران اسلامی با این نقش تزئین شده‌اند» (نورآقایی، ۱۳۸۷: ۵۹).

«هنوز هم در بافته‌های محلی برخی مناطق این نقش دیده می‌شود؛ به‌طور مثال در زیلوبافی میبد در استان یزد این نقش دیده می‌شود» (محبی، ۱۳۸۸: ۲۹). «گروهی منشأ آن را در کشف آتش و تحول عظیمی که در زندگی بشر به‌وجود آورد، می‌دانند؛ آن هنگام انسان برای تهیه آتش دو چوب برهم می‌سایید و برای حفظ آن مداوم چوب بر چوب قرار می‌داد تا آتش برافروخته بماند. گروهی دیگر آن را

شکسته، سه‌زانویی چرخان، آذین گل‌سرخ و چرخ باقی مانده و از کشوری به کشور دیگر انتقال یافته است» (هال، ۱۳۸۰: ۲۰۵). به‌جز آذین گل‌سرخ، بقیه نمادها در این سنگ‌نگاره‌ها دیده می‌شوند. مهم‌ترین نقش یافت‌شده در اینجا، نقش صلیب شکسته است که نشانه مهرپرستان بوده و گردونه مهر هم نام داشته است و به نام‌های «چلیپا» و در انگلیسی «اسواستیکا» خوانده می‌شود. در این محل، این نقش در چند صحنه مختلف دیده می‌شود (تصویر ۳۶). «چلیپا یکی از نشان‌های مهری بود که مهربان همیشه با خود داشتند و همراه می‌بردند. سربازان مهری رم، نشان چلیپا روی پیشانی داشتند» (کومن، ۱۳۸۶: ۳۴). «این نقش در سانسکریت به‌معنای خوشبختی







		
تصویر ۳۷: سه‌زانویی چرخان (آنالیز شده توسط نگارنده، استخراج از تخته سنگ (۵)	تصویر ۳۶: چلیپا یا صلیب شکسته (آنالیز توسط نگارنده، استخراج از تصویر ۱ و ۷)	تصویر ۳۵: نقش خورشید (آنالیز توسط نگارنده، استخراج از تصویر ۱)
		
تصویر ۴۰: حلقه مهر (آنالیز توسط نگارنده، استخراج از تصویر ۱ و ۱۲)	تصویر ۳۹: صلیب با پهلوهای برابر (آنالیز شده توسط نگارنده، استخراج از صخره نگاره (۵)	تصویر ۳۸: نماد چرخ (آنالیز شده توسط نگارنده، استخراج از تصویر ۴)

به توجه انسان به آسمان شب و حرکت ستارگان به گرد یک ستاره در حال گردش، مانند کرده‌اند؛ به‌ویژه ستارگان نزدیک‌تر به آن در یک گردش خود چلیپایی را می‌سازند. حضور این نقش در مجموعه نقوش تمام اقوام انسانی در طول تاریخ بیانگر آن است که نقش مذکور، اساس و ریشه‌ای برگرفته از طبیعت داشته و بیانگر آرزوها، پرسش‌ها و کنکاش‌های انسان در آن بوده است» (همان، ۳۰).

سه‌زانویی چرخان که دایره‌ای با سه پره (تصویر ۳۷) بود، «نشان از حرکت خورشید در آسمان بوده است و همچون صلیب شکسته به‌منظور خوشبختی به‌کار می‌رفته است» (هال، ۱۳۸۰: ۱۰).

است، نماینده خورشید بوده و مسیر آن را در آسمان نشان می‌داده است. بنابر گفته بعضی‌ها، این علامت حاکی از چرخ گردونه خورشید-خدا بوده و از این رو دارای بعضی نمادهای حاصلخیزی، روشنایی و به‌ویژه خوشبختی است. این نماد در بسیاری از فرهنگ‌های باستانی، اعم از روم، یونان، مصر، خاورمیانه، هند، تبت و حتی چین هم دیده شده است و همگی به‌نوعی وابستگی به خورشید و یا خوشبختی داشته‌اند. حتی عیسویان نخستین اسواستیکا را به‌عنوان نماد صلیب به همین شکل به‌کار گرفته‌اند» (هال، ۱۳۸۰: ۵ - ۶).

«نماد صلیب شکسته در ایران بر ظروف بازمانده

		
تصویر ۴۳: فنجان‌نما یا cup mark (آنالیز شده توسط نگارنده، استخراج از تصویر ۱۱)	تصویر ۴۲: نقش نمادین دایره با هفت نقطه یا انسان باردار (آنالیز شده توسط نگارنده، استخراج از تصویر ۱۰)	تصویر ۴۱: علامت جهت نما (آنالیز توسط نگارنده، استخراج از تصویر ۱)
		
تصویر ۴۶: سایر نقوش نمادین (آنالیز شده توسط نگارنده، استخراج از تصویر ۱ و ۴ و ۵ و ۷ و ۱۲)	تصویر ۴۵: نقش ماریچ (آنالیز شده توسط نگارنده، استخراج از تصویر ۱۵)	تصویر ۴۴: نقش بز استلیزه (آنالیز شده توسط نگارنده، استخراج از تصویر ۵)

در دوطرف آن زائده Tمانندی است و در داخل دایره هفت نقطه حجاری شده است. «دایره نماد کمال و یکپارچگی و حرکت است» (همان، ۲۳). هفت بیشترین تقدس در اعداد را دارد و در اینجا نیز بی‌دلیل ایجاد نشده است. از آنجا که نقوش مهرپرستی در این صخره‌نگاره‌ها دیده می‌شوند، این نقش را نیز می‌توانیم به این آیین مرتبط بدانیم. «در فرهنگ مهرپرستی (میتراپی)، هفت بسیار مقدس است و سمبل‌های هفت‌تایی زیادی دارند؛ مانند غارهایی با هفت در و هفت محراب، نردبان هفت‌پله، هفت سرو و از همه مهم‌تر، درجات هفت‌گانه تشریف به آیین مهر» (نورآقایی، ۱۳۸۷: ۷۸). «اما این نقش به‌صورت کلی، اگر چرخشی نود درجه داشته باشد، شبیه به انسان باردار می‌باشد» (دهقانیان نصرآبادی، ۱۳۸۶: ۱۵۱). برخی تصاویر باقی‌مانده از انسان در دوران پارینه‌سنگی به زنان مربوط است که بسیاری از آنان باردار هستند و ارتباطی با زایش داشته‌اند. «به‌نظر می‌رسد بخشی از یک آیین پیش از تاریخی هستند که چرخه طبیعت و تولد را ستایش می‌کرده است» (سیر، ۱۳۸۷: ۸). در بیشتر فرهنگ‌های باستانی، الهگان باروری وجود دارند که در بیشتر مواقع، در حال زایش و یا بارداری نشان داده شده‌اند؛ از جمله آن‌ها هیتا در ایران، آرتامیس یا آتنا در یونان و روم، ایشتار در اکد، سراسوتی در هند و ... (تصویر ۴۲).

کنار صخره‌ای غارمانند، پنج فنجان‌نما وجود دارد

«چرخ در یونان باستان و شرق نماد خورشید بود که از قرص خورشیدی پیشین تکامل یافته بود. پره‌های آن عبارت بود از پرتوهای خورشید و گردش آن حاکی از مسیر خورشید در عرض آسمان بوده است» (هال، ۱۳۸۰: ۱۳۳). این نماد در این سنگ‌نگاره‌ها در کنار نقوشی شطرنجی و نامفهوم ایجاد شده است که کامل آن در تصویر ۴ دیده می‌شود (تصویر ۳۸).

نماد صلیب با پهلوهای برابر (تصویر ۳۹) «دلالت بر چهار جهت اصلی یا پادهای باران‌زا داشت؛ بنابراین نماد خدایان آسمان و آب و هوا درآمد» (همان، ۱۱). از این نمونه‌ها در بیشتر مناطق دنیا دیده شده‌اند. نقش حلقه مهر در دو نقطه از یک تخته‌سنگ و در تخته‌سنگی دیگر به‌تنهایی دیده می‌شود که دایره‌ای با یک نقطه در مرکز است و نشانه بستن پیمان و عهد با خدای خورشید است. حلقه مهر در حجاری‌های طاق بستان در دست میترا نیز دیده می‌شود (تصویر ۴۰).

یک نقش پنجره‌مانند نیز در تخته‌سنگ اول وجود دارد که «نوعی جهت‌نما یا قطب‌نما بوده است» (ناصری‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۶۲). این علامت چهار جهت اصلی و چهار جهت فرعی را نشان می‌دهد (تصویر ۴۱) و در بعضی مناطق ایران در سنگ‌نگاره‌ها دیده شده است. «رایج‌ترین آن هشت پر دارد و نشانه هشت جهت فضا است» (نورآقایی، ۱۳۸۷: ۲۸).

نقش صخره شماره ۱۰ نقشی دایره‌ای است که

که هریک دو سانتی متر قطر و یک سانتی متر عمق دارند (تصویر ۴۳).

فنجان‌نماها (cup mark) گودی‌های ایجادشده روی سطوح صاف سنگ‌ها توسط انسان‌های کهن هستند. این نمادها در محل‌های خاص برای کارکردهای خاص و متعدد ایجاد شده‌اند. کاربردهای بارز آن گاه‌شماری و یا نمایش صور فلکی بوده است. نمونه‌های بزرگ‌تر و عمیق‌تر آن‌ها کاربردی آیینی داشتند و در آن‌ها شیرۀ گیاهان مقدس را می‌ساییدند و در مراسمی آیینی استفاده می‌کردند (ناصری‌فرد، ۱۳۸۸: ۱۴۸).

در این منطقه، نقش نمادین بز استلیزه یافت شده است (تصویر ۴۴). «این نقش در دعا‌های خطوط سطری با قدمت ۲۳۰۰ کشف‌شده در تیمره با مفاهیم مطروحه در مورد بز کوهی نیز یافت شده است؛ به معنی درخواست آب، زاینده‌گی و فراوانی نعمت» (همان، ۱۳۲).

نقش مارپیچ از نقوش نمادین دیگر این منطقه است که در تخته‌سنگ شماره ۱ دیده شده است. احتمالاً این نقش که در نقاط دیگر ایران یافت نشده و از نمادهای منحصر به فرد منطقه به‌شمار می‌رود، از حروف الفبای اولیه است (تصویر ۴۵).

در چند مورد هم نقوشی دیده می‌شود که مفهومی‌شان برای ما مشخص نیست. بعضی از آن‌ها قدیمی هستند و تعدادی با تقلید از نقوش قدیمی حکاکی شده‌اند (تصویر ۴۶).

در این منطقه، با نوعی نگاه و بینش خاص مواجه می‌شویم و درمی‌یابیم که نقوش نمادین بر سایر نقوش برتری دارند و اعتقاد خاص این مردم را در دوران قدیم نشان می‌دهند.

۹. نتیجه‌گیری

این تصاویر مردمی را به ما معرفی می‌کنند که با دین و آیین خود زندگی را باور داشته‌اند و با تفکری خاص، عمر را سپری کرده‌اند؛ مردمی که به شکار پرداخته‌اند و گیاه و کشاورزی نیز نقشی هرچند کوچک در زندگی آن‌ها داشته است.

تقدس نقوش به‌طور قابل توجهی محسوس است و هر بیننده‌ای را مسحور می‌کند. این آثار همیشه در

مکان‌هایی مقدس نقش شده‌اند و در بعضی مناطق در نزدیکی نقوش، مراسمی آیینی برگزار می‌شد؛ مراسمی که هنوز هم در بعضی نقاط ادامه دارد. این نقوش که کاربرد دلی طلسم‌گونه داشتند، نوعی چشم‌زخم برای فراخی روزی محسوب می‌شدند و برای پرستش خدایان طبیعی به کار می‌رفتند، اعتقادات انسان و نیازهای او به محیط اطرافش را نشان می‌دهند. انسان برای مصون ماندن از بلایای طبیعی، حملۀ حیوانات شکاری و انسان غریبه، تمهیداتی اندیشیده بود که یکی از آن‌ها توسل به این نقوش بوده است. با مطالعه اساطیر و داستان‌های کهن، این نیاز بشر به نیروهایی فوق طبیعی را احساس می‌کنیم و اعتقاد انسان‌های نخستین به نیروی خارق‌العاده خدایان نیز این موضوع را برملا می‌سازد. طلب باران و فراوانی، ازدیاد نسل و مصونیت از انقراض نسل بشر و حیوانات مصرفی، مفاهیم به‌دست‌آمده از تفحص در برخی نقوش هستند. رمزنگاری این مردمان در ایجاد نقوش کاملاً نمایان است و با این آثار سخنانی را از نیازهای خود جاودانه کرده‌اند. رمزگشایی این آثار با بررسی دقیق نیازهای انسان اولیه، آیین‌های اولیه، اساطیر و گمانه‌زنی‌های باستانی امکان‌پذیر است. در نقوش این منطقه، به‌طور عجیبی مفاهیم باروری و زایش مورد توجه تصویرگر بوده که همگی به‌نوعی نمادگونه و نشانه‌ی نیاز بشر اولیه به قدرت‌های ماوراء طبیعی بوده‌اند.

از نظر تصویری، این نقوش خصوصیت‌های بارزی دارند. همه تصاویر با عنصر خط نمایش داده شده‌اند و خطوط ضخامت‌های نسبتاً مساوی و حرکت‌های متنوع دارند. در این نقوش، تجمع و تفرق عناصر در صفحه بسیار دیده می‌شود و در یک نقطه، چندبار و در نزدیکی هم تصاویری نقش شده است و بقیه نقوش در اطراف پراکنده‌اند که شاید نشان‌دهنده جامعه‌ای متحد و یکپارچه باشد. نقطه نیز در این نقوش اهمیت خاصی دارد و در مواردی همراه با نمادها دیده شده است. این تصاویر هم از نظر تصویری و هم از نظر مفهومی، ارزشی بالا دارند و روزگاری را معرفی می‌کنند که انسان بدون هیچ امکاناتی با ارزش‌ترین آثار هنری و آیینی دنیای باستان را به‌وجود آورد و

پی‌نوشت‌ها

۱. دکتر مرتضی فرهادی در موزه‌هایی در باد، محمد ناصری فرد در آثار تاریخی خمین و موزه‌های سنگی هنرهای صخره‌ای و حمید ایزدپناه در آثار تاریخی و باستانی لرستان، درباره این موضوع به‌طور مفصل توضیح داده‌اند.
۲. سنگ‌نگاره‌های ارنان توسط دینیار شهزادی و سنگ‌نگاره‌های رمه‌کوه و دره‌گنج و دره‌گازه توسط علیرضا حصارنوی در مجله اثر و مجله فرهنگ یزد منتشر شده است.
۳. روستای توران‌پشت توسط توران‌دخت و روستاهای ارنان (ایرنان)، اردان و ابرندآباد توسط ایران‌دخت آباد شده است و این مطلب در کتاب‌های تاریخی یزد آمده است؛ مانند جامع مفیدی نوشته محمد مفید مستوفی بافقی (وقایع یزد تا تشکیل حکومت صفوی)، تاریخ جدید یزد نوشته احمد کاتب (حوادث یزد تا سال ۵۸۶۲ق)، آتشکده یزدان نوشته عبدالحسین آیتی تفتی (مسائل یزد از پیش از اسلام تا ۱۳۱۷ه.ش) و ...
۴. اکنون مزرعه خالی از سکنه است.
۵. در صفحه ۳۷ کتاب ناصری فرد آمده است که در کنار سنگ‌نگاره‌های دره نرگسلو در بجنورد، مردم شمع روشن می‌کنند و نذری می‌دهند.

منابع

- افشار، ایرج، (۱۳۵۰)، *یادگارهای یزد*، ج ۱. انتشارات آثار انجمن ملی، تهران.
- افشاری، حسن، (۱۳۹۰)، *هنر نقاشی ایران از آغاز تا اسلام*، پازینه، تهران.
- ایزدپناه، حمید، (۱۳۶۳)، *آثار باستانی و تاریخی لرستان*، ج ۱. آگاه، تهران.
- آیتی‌زاده، آنیسا، (۱۳۸۰)، *سنگ‌نگاره‌های باستانی ایران*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه هنر تهران، تهران.
- بوکور، مونیک دو، (۱۳۷۳)، *رمزهای زنده‌جان*، ترجمه جلال ستاری، نشر مرکز، تهران.
- پاکباز، رویین، (۱۳۷۹)، *نقاشی ایران از دیرباز تا امروز*، زرین و سیمین، تهران.
- حصارنوی، علیرضا، (۱۳۸۸)، «صخره‌نگاره‌های دره گازه‌تفت»، *فصلنامه فرهنگی پژوهشی فرهنگ یزد*، س ۱۰، ش ۳۸-۳۹، صص ۱۰۷-۱۱۶.
- دادور، ابوالقاسم و مهتاب معینی، (۱۳۸۸)، *جانوران ترکیبی در هنر ایران باستان*، آگاه، تهران.
- دهقانان نصرآبادی، کاظم، (۱۳۸۶)، *سیمای نصرآباد*، بقیه العتره، یزد.
- کاظم دهقانان نصرآبادی، (۱۳۸۷)، *سیمای تفت*، اندیشمندان یزد، یزد.
- ذکری، امیرحسین، (۱۳۷۷)، *اسرار اساطیر هند*، فکر روز، تهران.
- سیر، هنری، (۱۳۸۷)، *از غار تا پیکاسو*، ترجمه روزبه تذهیبی، چاپ و نشر نظر، تهران.
- عبداللهیان، بهناز، (۱۳۸۷)، «مفاهیم نمادهای مهر و ماه در سفالینه‌های پیش از تاریخ»، *مجله هنرنامه*، س ۱، ش ۲.
- فرهادی، مرتضی، (۱۳۷۷)، *موزه‌هایی در باد*، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- کومن، فرانتس، (۱۳۸۶)، *دین مهری*، ترجمه احمد آجودانی، نشر ثالث، تهران.
- محبی، حمیدرضا، (۱۳۸۸)، «عبادت (نماز) و نسبت آن با نشانه‌های نقش‌پردازی‌شده در زیلوی طرح محرابی میبد»، *فصلنامه فرهنگی پژوهشی فرهنگ یزد*، س ۱۰، ش ۳۸-۳۹.
- ناصری فرد، محمد، (۱۳۸۸)، *سنگ‌نگاره‌های ایران نمادهای اندیشه‌نگار*، خمین، خمین.
- نورآقایی، آرش، (۱۳۸۷)، *عدد نماد اسطوره*، نقد افکار، تهران.
- هال، جیمز، (۱۳۸۰)، *فرهنگ نگاره‌ای نمادها در شرق و غرب*، ترجمه رقیه بهزادی، فرهنگ معاصر، تهران.
- هینلز، جان راسل، (۱۳۸۸)، *اسطوره‌های ایرانی*، ترجمه مهناز شایسته‌فر، مؤسسه مطالعات هنر اسلامی، تهران.